تلاش سؤال برانگیز برای تشکیل وزارت بازرگانی

دولت یازدهم و دوازدهم با شعار بهبود وضعیت معیشتی و اعتدال بر سرکار آمد. مذاکرات فراوان با قدرت‌های جهانی نهایتا به امضای برجام منجر شد. در ادامه با خروج آمریکا و اعمال تحریم‌های یکجانبه فشارهای زیادی به مردم وارد شد. این موضوع انتقادات فراوانی را برای دولت در پی داشت.

کارشناسان معتقدند برجام نه تنها در حل مشکلات کشور ناتوان بود بلکه منجر به از بین رفتن فرصت‌های اقتصادی کشور در منطقه شد. علت این موضوع تمرکز بر حل مشکلات با آمریکا و غفلت از فرصت‌های اقتصادی کشور در سطح منطقه بوده است.

یکی از اقدامات دولت طی ماه‌های اخیر ارائه طرح تشکیل وزارت بازرگانی برای نظم به تولید و توزیع اقلام غذایی در کشور بود. طرح تشکیل وزارت بازرگانی ۳ بار در دستور کار مجلس قرار گرفت و با مخالفت نمایندگان به تصویب نرسید. این طرح با تلاش دولت بالاخره در مرتبه چهارم مورد تایید نمایندگان مجلس قرار گرفت اما شورای نگهبان به دلیل وجود ابهام در وظایف آن را به مجلس بازگشت داده است.

در همین حال تلاش سؤال‌برانگیز و چند باره دولت برای تشکیل وزارت بازرگانی در حالی صورت گرفته که طی سال‌های اخیر، اقتصاد به دغدغه اصلی مردم تبدیل شده است. از دلایل این موضوع سقوط وحشتناک ارزش پول ملی، سیاست رشد نقدینگی، نرخ تورم بی‌سابقه، بدهی سنگین دولت به بانک مرکزی و فشار به طبقات ضعیف از جمله کارگران بوده است.

یکی از اهداف مهم تشکیل وزارت بازرگانی پیشگیری از رشد قیمت‌ها و کنترل قیمت اقلام در کشور خواهد بود. این وظیفه در حال حاضر توسط جهاد کشاورزی انجام می‌شود. یکی از کارکردهای وزارت بازرگانی واردات اقلام غذایی از خارج برای تعدیل قیمت‌های داخل کشور خواهد بود.

به نظر می‌رسد با ناامیدی از برجام و اهمیت مسائل اقتصادی در تعیین برنده انتخابات، ایجاد وزارت بازرگانی با همین هدف تشکیل خواهد شد. وگرنه طی شش سال اخیر و با روند افزایش گرانی و تورم دولت به انجام این طرح اقدام نکرده بود. از سوی دیگر ایجاد این وزارتخانه اقدامی موازی کارانه به حساب می‌آید؛ چراکه عمده وظایف این وزارتخانه در حال حاضر توسط جهاد کشاورزی در حال اجرا است بنابراین این سؤال مطرح می‌شود که واقعا چه نیازی به تشکیل وزارت خانه جدید است آنهم در شرایطی که وظایف این وزارت خانه را دیگر بخش‌های دولت تا کنون انجام داده‌اند و مشکل چندانی هم از این ناحیه پدید نیامده است. از سوی دیگر نباید تشکیل وزارت بازرگانی، ابزاری انتخاباتی برای کاهش قیمت محصولات مصرفی مردم به واسطه افزایش واردات باشد.

عملکرد مثبت وزارت جهاد کشاورزی

آمارها حکایت از آن دارند که وزارت جهاد کشاورزی با اختیاراتی که بعد از تصویب قانون تمرکز به دست آورد، تولید محصولات کشاورزی - به ویژه محصولات اساسی را افزایش داده است. همچنین با ممانعت از واردات بی‌رویه برخی از کالاهای اساسی (گندم، برنج، میوه و غیره)، بازار مناسب را برای عرضه محصولات کشاورزان داخلی فراهم کرده است. نتیجه این اقدامات کاهش حدود ۵ میلیارد دلاری واردات محصولات کشاورزی و ممانعت از خروج ارز از کشور بود. تجربه اکثر کشورهای پیشرو در زمینه تولید و تجارت محصولات غذایی از جمله آمریکا، کانادا، استرالیا، آلمان، هند، برزیل، روسیه، چین و ژاپن نشان می‌دهد، تمامی اختیارات تجارت و تنظیم بازار در درون ساختار وزارت کشاورزی است.

مجلس اختیارات وزارت جهاد کشاورزی را واگذار نکند

در واقع دولت باید برای ساماندهی به وضعیت تولید و توزیع مواد غذایی سیاستگذاری مناسبی در داخل انجام دهد نه اینکه خدای ناکرده با اقدامات اشتباه ناخواسته به مقابله با تولیدکنندگان داخلی بپردازد. در این صورت با ایجاد هر گونه نوسان قیمتی و گرانی، دولت به واردات و فشار به تولیدکنندگان داخلی متوسل خواهد شد. در حالیکه قانونگذاری و حمایت از تولیدکنندگان داخلی علاوه‌بر تامین نیاز کشور می‌تواند به صادرات واشتغال بیشتر جوانان کمک کند.

با توجه به ارجاع طرح تشکیل وزارت بازرگانی از شورای نگهبان به مجلس، ایجاد برخی اصلاحات ضروری به نظر می‌رسد. در همین زمینه عدم واگذاری اختیارات وزارت جهاد کشاورزی به وزارت بازرگانی گامی مهم در راستای حمایت از تولیدکنندگان داخلی است.

حق پایمال شده سهامداران یک شرکت خصولتی درحوزه نیرو

در سال‌های پس از جنگ جهت توسعه فعالیت‌های پیمانکاری صنعت برق و خودکفایی در این صنعت، توسط وزارت نیرو شرکت هایی به سهامداری پرسنل و ریاست مجمع مدیران عامل برق‌های منطقه‌ای تشکیل شد. در سال ۱۳۷۳ نیز شرکت فارس تکاب در فارس به سهامداری ۵۲۰۰ پرسنل و بازنشسته صنعت تشکیل و ماهانه مبالغی ازحقوق همه کارکنان (بدون استثنا) اخذ می‌شد و مبالغ در این شرکت تبدیل به سهام می‌گردید... شرکت هم فعالیت‌های اقتصادی انجام می‌داد (فعالیت‌ها همگی در صنعت برق بوده و کارفرما هم اکثرا شرکت‌های برق بودند) و سالانه بعد از برگزاری مجمع، سود سهام به پرسنل پرداخت می‌شد. بعضا در سال‌های طلایی ۸۵ و ۸۴ سود سهام به بالای سی درصد هم می‌رسید.

شرکت فارس تکاب در سال‌های پررونق ۸۲ تا ۸۷ توسعه قابل ملاحظه‌ای یافت و اقدام به تاسیس بزرگترین کارخانه گالوانیزه جنوب در شهرک صنعتی بزرگ شیراز، بزرگترین پیمانکار اجرای تاسیسات شبکه برق به نام تکاب نیرو و بزرگترین شرکت مشاوره برقی جنوب به نام مشاوره فارس نمود. در آن سال‌های بیش از هزار نفر پرسنل در این مجموعه فعال بودند و حوزه فعالیتش کل کشور را پوشش می‌داد این شرکت دارای یکی از محدود خط‌های تولید پایه های پیش فشرده سیمانی بود. در آن زمان این تکنولوژی فقط در تبریز و مشهد و اصفهان وجود داشت. این موارد نشان می‌دهد گردش مالی و امکانات شرکت بسیار گسترده بوده و در مقاطعی از زمان شرکت یادشده در اربیل عراق نیز اقدام به تاسیس نمایندگی جهت فعالیت‌های برون مرزی نموده است.

مدیرعامل و هیئت مدیره شرکت فارس تکاب و شرکت‌های زیرمجموعه همگی توسط مدیرعامل برق منطقه‌ای فارس انتصاب می‌شدند و حتی دستمزدشان هم توسط برق منطقه‌ای فارس مشخص می‌شد. تعداد سهام هیچ‌کس حتی مدیرعامل به بیش از یکی دو درصد از کل سهام نمی‌رسید.

در سال‌های ۸۹ تا ۹۱ به علت شرایط تحریمی و رشد چندبرابری قیمت‌ها شرکت فارس تکاب به منظور اتمام تعهدات و پروژه‌ها مجبور به استقراض از سیستم بانکی گردید. با انجام استقراض پروژه‌ها به اتمام رسید و تحویل کارفرما - که اکثرا هم برق منطقه‌ای فارس بود- گردید، ولی به دلیل جایگاه حقوقی مدیرعامل برق منطقه‌ای در انتصاب مدیران فارس تکاب متاسفانه این شرکت پیگیر اخذ دیرکرد و تعدیل و... نگردید و همین عامل باعث بحران مالی در فارس تکاب شد.

جهت تزریق منابع مالی به فارس تکاب در جلسه مجمع عمومی صاحبان سهام در سال ۹۳ قرار شد سهامدار خصوصی در قبال تامین آورده‌ای متناسب با بدهی آن زمان شرکت و تامین سرمایه در گردش معادل ۷۲ میلیون ریال، مالک، ۷۰٪ سهام شرکت شود.

حاصل این که، اکنون گردش مالی ده ها میلیارد تومانی شرکت به چندصد میلیون تومان و تعداد کارکنان از بیش از هزار نفر به کمتر از بیست نفر کاهش یافته است. هیچ ارگانی از سهامدار خصوصی و هیئت مدیره جدید سؤال نمی‌کند با سهام ۵۲۰۰ پرسنل صنعت برق که اجبارا سهام‌دار شرکت شده‌اند چه کرده‌اید. به دلیل انجام نشدن تعهدات، سالانه بیش از سه میلیارد تومان به بدهی سهامدار افزوده می‌شود.

اما از آن زمان تا حال نه‌تنها بدهی شرکت به بانک‌ها و اداره مالیات و بیمه و بخش خصوصی پرداخت نشده بلکه شرکت پیمانکاری تکاب نیرو ورشکسته، شرکت مشاوره تعطیل و مشمول ورشکستگی و کارخانه گالوانیزه واگذار شده است و کارگاه پایه‌ریزی با سی درصد ظرفیت کار می‌کند!

در نتیجه این وضعیت، بدهی و تعهدات به مدیران سابقی که همگی در اصل کارمند برق بوده و درآمدی جز دستمزد ماهانه نداشتند منتقل شد.

متخصصین صنعت برق اعتقاد دارند امکانات و امتیازات شرکت فارس تکاب به گونه‌ای است که عدم سوددهی آن کار سختی است و معلوم نیست چرا این شرکت غیرفعال و غیرشفاف مانده است.

*** نامه سهامداران شرکت فارس تکاب به کیهان**

تعطیلی کارخانه‌های اسقاط خودرو با سیاست‌های متفاوت دولت

کارخانه‌های اسقاط خودرو با رفتارهای متفاوت دولت تعطیل شد.

در سال ۱۳۹۳ ستاد مدیریت حمل و نقل و سوخت کشور از طریق رسانه‌ها اعلام کرد که کلیه علاقه‌مندان به سرمایه‌گذاری در زمینه اسقاط و بازیافت خودروهای فرسوده با مراجعه به سازمان‌های صنعت و معدن استان‌ها نسبت به اخذ جواز تاسیس کارخانه بازیافت خودرو اقدام کنند.

برهمین اساس، تعداد مراکز کل کشور از ۱۰۹ مرکز تا سال ۹۳ به ۲۱۸مرکز افزایش یافت. با این وجود، از اواسط سال ۹۶ و با ممنوعیت واردات خودرو، کلیه مراکز اسقاط کشور تعطیل شدند و تمام سرمایه‌گذاری‌های انجام شده بدون استفاده ماند. فعالان این صنعت در حال حاضر، مواردی را به عنوان مشکلات و معضلات صنعت اسقاط خودرو مطرح می‌کنند که مهم‌ترین آن‌ها به این شرح است:

۱. مطابق آیین نامه «از رده خارج کردن خودروهای فرسوده» که هیئت وزیران آن را ابلاغ کرده است مسئولیت از رده خارج کردن خودروهای فرسوده بر عهده واردکنندگان و خودروسازان می‌باشد و مراکز اسقاط تنها به عنوان عامل اجرای عملیات اسقاط معرفی شده‌اند.

این بدان معناست که واردکنندگان و خودروسازان می‌بایست خودروهای فرسوده را از سطح شهرها خریداری کنند و پس از ثبت نام درسامانه نوسازی به نام خودشان، خودروها را به مراکز اسقاط جهت انجام فرایند اسقاط تحویل بدهند. ستاد حمل و نقل سوخت بر خلاف قوانین بالا دستی خود به صورت غیر قانونی مسئولیت اسقاط خودروهای فرسوده را بر عهده مراکز اسقاط قرار داده و با بسترسازی نرم افزاری مراکز اسقاط خودرو را در خرید و اسقاط خودرو دخیل کرد تا واردکنندگان برای تهیه گواهی اسقاط نیازی به تعامل مستقیم با مالک نداشته باشند و همچنین درگیر روند اسقاط خودروها نباشند.

برخی مرکز اسقاط نیز بر اساس این بستر سازی ستاد حمل و نقل سوخت به دولت و برنامه‌های نوسازی ستاد اعتماد کرده و با اخذ وام بانکی اقدام به خرید و جمع آوری خودروهای فرسوده نمودند و در یک نمونه یکی از این مراکز اسقاط، حدود ۸۰۰ خودرو را از رده خارج کرد و در حالی که برگه‌های اسقاط آن‌ها آماده واگذاری به وارد کنندگان بود، واردات ممنوع شد و این برگه‌ها حدود دو سال بلا استفاده باقی ماند. تا کنون هم هیچ محل مصرفی برای این گواهی‌ها توسط دولت ارائه نشده است.

۲. در تاریخ ۱۳۹۷/۵/۷ ستاد حمل و نقل سوخت با توجه به ممنوعیت واردات و کاهش شدید تقاضا برای گواهی اسقاط‌های تولید شده توسط مراکز ، جهت برخورداری همه مراکز کشور از این سبد اندک ، دسترسی واگذاری گواهی اسقاط به صورت انفرادی را از مراکز اسقاط گرفت و قرار شد کلیه گواهی‌های مورد نیاز واردکنندگان توسط تعاونی مراکز اسقاط کشور زیر نظر انجمن صنفی مراکز به صفحات وارد کنندگان منتقل شود و سبد مصرف بین همه مراکز اسقاط تقسیم گردد که ناگهان پس از گذشت حدود یک سال از فعالیت صفحه مذکور، در روز ۱۳۹۸/۳/۱۴ ستاد حمل و نقل بدون اعلام قبلی، امکان انتقال به صورت انفرادی را برای مراکز، بازگشایی کرد و در همان روز حدود ۸۰۰۰ برگه اسقاط در صفحات جابه جا گردید و پس از اعتراض مراکز ،مجددا صفحه مذکور بسته شد.

واقعا این روش بستن و بازگشایی آن هم در روز تعطیل ۱۴خرداد توسط چه کسی دستور داده شد؟ آیا این که مراکز به یک نهاد دولتی اعتماد کرده‌اند و برای کمک به دولت وظیفه سنگین نوسازی ناوگان را به دوش کشیدند، شایسته چنین رفتارهایی است؟

در همین زمینه، خاقانی، مدیر عامل مرکز اسقاط و بازیافت خودروهای فرسوده شهرستان گرمسار به کیهان اعلام کرد: از سال ۹۶ تا کنون بارها انتقاداتمان را به نهادهای متولی صنعت اسقاط نظیرستاد حمل و نقل و سوخت، وزارت صنعت و وزارت راه اعلام کرده ایم و هر بار به وعده‌های مسئولین دل خوش کرده ایم ولی هنوز خبری از تحقق وعده‌ها نیست.

بهرحال با توجه به هوای سرد روزهای اخیر و مواجهه با پدیده آلودگی هوا در کلانشهرها این سؤال مطرح است که آیا سزاوار است کارخانه‌های اسقاط و بازیافت خودروهای فرسوده که نقش مهمی در رفع آلودگی هوا دارند با دارا بودن تمامی ظرفیت‌های لازم تعطیل باشند؟!

پاسخ کیهان به جوابیه سازمان استاندارد درباره گزارش «مدیران غیراستاندارد در سازمان استاندارد»

جوابیهٔ سازمان استاندارد؛ سؤالات را بیشتر کرد

بقیه از صفحه ۱۱

گسترش روغن‌های تراریخته در سایه کوتاهی استاندارد: با مرور مجدد مطلب آن روزنامه که بیان نموده «... سازمان استاندارد مدعی است طبق قانون برنامه ششم توسعه و قانون ایمنی زیستی وظیفه‌ای در امر بررسی مواد غذایی تراریخته ندارد...» و همچنین «نیره پیروزبخت، رئیس سازمان استاندارد نیز گفت: طبق برنامه ششم و هم طبق قانون ایمنی زیستی، وزارت جهاد کشاورزی و سازمان محیط زیست مسئولیت تراریخته را دارند و حتی طبق قانون ایمنی زیستی به عنوان همکار هم شناخته نشده است...» سپس نگارنده از این مطالب و عملکرد طبق قانون سازمان ملی استاندارد نتیجه گرفته است که «توجیه‌ها و استدلال‌های سازمان ملی استاندارد بیش از آنکه منطقی باشد، بامزه بود!» قضاوت در این خصوص را با ذکر فرمایش مقام معظم رهبری در خطبه‌های نماز عید سعید فطر مورخ ۱۳۸۰/۰۹/۲۵ به عهده خوانندگان می‌گذاریم. ایشان فرمودند:

«... هرکس این حرکت قانونی و منطقی ضد فساد را تضعیف کند، از فساد حمایت و به آن کمک کرده است؛ دچار نوعی استبداد و استکبار شده است؛ یعنی سرکشی در مقابل قانون. البته من، هم به قوه قضائیه و هم به قوه مجریه توصیه می‌کنم که در عمل مراقب باشند، حدود را رعایت کنند. مبادا آبروی کسی بدون اینکه استحقاق مجازات را داشته باشد، خدشه‌دار شود. مطبوعات هم باید مراقب این معنا باشند.»

مدیریت ضعیف و امضاهای طلایی: در این بخش از گزارش کیهان، ضمن توهین به ریاست سازمان بیان شده که «... امروز پس از گذشت ۶ سال از مدیریت وی، حجم تخلفات و کم‌کاری‌ها به قدری است که طبق شنیده‌ها صدای برخی مقامات دولت را هم درآورده است...» به نظر می‌رسد این صدایی که کیهان شنیده، صدای مقامات دولت نیست بلکه صدای مفسدانی است که در گذشته، سوءاستفاده فراوانی از امضاهای طلایی خود می‌نمودند و اکنون با سامانه‌ای کردن امور بسیار محدود شده است. صدای برخی از همان افراد متخلفی است که به محض آگاهی از تخلف آنها، برکنار شده و یا صدای واحدهای متخلفی که رشوه داده‌اند تا بیشتر از حقوق خود، سهمی در بیت‌المال داشته باشند. به فرموده مقام معظم رهبری(مدظله العالی) در خطبه‌های نماز عید فطر ۱۳۹۷/۱۰/۰۷ «... با آغاز مبارزه جدی با فساد اقتصادی و مالی یقیناً زمزمه‌ها و به تدریج فریادها و نعره‌های مخالفت با آن بلند خواهد شد. این مخالفت‌ها عمدتاً از سوی کسانی خواهد بود که از این اقدام بزرگ متضرر می‌شوند و طبیعی است بددلانی که با سعادت ملت و کشور مخالف‌اند یا ساده‌دلانی که از القائات آنان تأثیر پذیرفته‌اند با آنان هم‌صدا شوند...»

دور دنیا با سازمان استاندارد: درخصوص این افترا لازم به ذکر است که تمامی سفرهای خارجی ریاست سازمان از ابتدای دولت یازدهم ۹۰ روز (۱۸سفر) و در چارچوب قوانین و مقررات و با تأیید کارگروه اعزام به خارج از کشور و در راستای مأموریت و پس از تأیید مراجع ارشد اجرایی و امنیتی که بسیاری از آنها در معیت رئیس‌جمهور محترم و معاون اول ایشان بوده که دستاوردهای بین‌المللی و منطقه‌ای سازمان بارها اعلام شده است.

تعطیلی پژوهشگاه و آزمایشگاه‌ها: نگارنده گزارش به اصطلاح خبری تحلیلی کیهان، با توسل به پیش‌فرض‌های غلط ۳۰۰ روز مأموریت خارج از کشور ریاست سازمان و ۳۰ روز سفر استانی ایشان به این نتیجه شگفت‌انگیز رسیده است که تعطیلی بسیاری از آزمایشگاه‌های استانی به این دلیل است و حتی باعث ضعف نظارت سازمان بر کیفیت و نمونه‌برداری از کالاها شده است. یعنی با عدم حضور رئیس سازمان، ۳۰۰۰ نفر مدیر و کارشناس نیز کار را تعطیل نموده‌اند. آیا پذیرش چنین فرضی، توهین آشکار به تمامی پرسنل زحمت‌کش و خدوم سازمان ملی استاندارد ایران و سربازان ولایت‌مدار و حافظان تولید باکیفیت کشور نیست.

ذکر این نکته ضروری است که براساس سیاست‌های ابلاغی مقام معظم رهبری و تأکیدات معظم‌له در مناسبت‌های گوناگون و سیاست‌گذاری در دوره رؤسای پیشین سازمان، اصل بر واگذاری امور تصدی‌گری به مردم و چابک‌سازی دولت است و لذا این سازمان نیز در جهت تحقق منویات و فرمایشات ایشان و عمل به قوانین و مقررات مربوطه از جمله سیاست‌های ذیل اصل ۴۴ قانون اساسی اقدام به واگذاری وظایف آزمایشگاه‌های مجموعه سازمان ملی استاندارد- شامل ستاد، پژوهشگاه و ادارات کل استاندارد استان‌ها- و تقویت نظارت بر آنها نمود. کاهش بودجه سازمان و تحریم‌های اقتصادی و افزایش نرخ ارز نیز موجب گردیده که خرید تجهیزات آزمایشگاهی بسیار گران (برخی از دستگاه‌ها برای آزمون فقط یک ویژگی از یک کالا میلیاردها تومان قیمت دارند) و به دلیل انحصاری بودن تولید و فروش آنها تقریباً برای سازمان غیرممکن شده است. مضاف بر آن به علت عدم امکان خرید از طریق مناقصه و نمایندگی معتبر در ایران موجب افزایش چند برابری قیمت آنها و عدم تعمیر برخی دستگاه‌های معیوب و بلااستفاده ماندن آنها در آزمایشگاه‌های ستاد و استان‌ها شده است. این موضوع برای آزمایشگاه‌های همکار نیز صادق بوده و خرید و تعمیر دستگاه‌ها را در کنار عوامل فوق‌الذکر، غیراقتصادی و زیان‌ده نموده است. در کنار این مسائل، اقدامات لازم درخصوص تقویت آزمایشگاه‌های فعال مرجع (که لازمه انجام امور حاکمیتی سازمان است) نیز انجام شده است که به بخشی از آن اشاره شد.

از تخلف در انتخاب ریاست سازمان تا انتصاب‌های مسئله‌دار: همان‌گونه که در ابتدای این جوابیه به آن اشاره شد، هیچ‌گونه تخلفی در انتخاب ریاست سازمان صورت نگرفته و اتفاقاً به دلیل سابقه طولانی ایشان در بدنه کارشناسی و مدیریت سازمان و شناخت خوبی که از اغلب مدیران و کارکنان دارند، اکثر انتخاب‌ها و انتصابات که با هماهنگی مراجع ذی‌ربط انجام شده، صحیح و موفقیت‌آمیز بوده است. کشف برخی مفاسد- که قبلاً نیز متأسفانه وجود داشته اما با آن برخورد نشده بود- و تغییر تعداد اندکی از مدیران نیز با کمک حراست سازمان به همین علت بوده است.

در پایان نظر همگان را به بند ۴ از فرمان هشت‌ماده‌ای رهبر معظم انقلاب جلب می‌نماییم: «ضربه عدالت باید قاطع ولی در عین حال دقیق و ظریف باشد. متهم کردن بی‌گناهان یا معامله یکسان میان خیانت و اشتباه یا یکسان گرفتن گناهان کوچک با گناهان بزرگ جایز نیست. مدیران درستکار و صالح و خدمتگزار که بی‌گمان اکثریت کارگزاران در قوای سه‌گانه کشور را تشکیل می‌دهند نباید مورد سوءظن و در معرض اهانت قرار گیرند و یا احساس ناامنی کنند. چه نیکوست که تشویق صالحان و خدمتگزاران نیز در کنار مقابله با فساد و مفسد وظیفه‌ای مهم شناخته شود.»

متأسفانه در گزارش خبری مذکور، متن خبری کاملاً کذب و واهی و با افتراء، توهین، ایجاد التهاب در جامعه و پخش شایعات همراه بوده که با عنایت به ماده ۲۳ و بند ۹ از ماده ۹ و تبصره ۴ از ماده ۹ و تبصره ۷ از ماده مذکور از قانون مطبوعات، نویسنده و مدیرمسئول محترم آن جریده در مراجع قضائی قطعاً پاسخگو باید باشند.

پاسخ کیهان به همراه اسناد مربوطه

در ابتدا باید پاسخگویی سازمان ملی استاندارد را به فال نیک گرفت اما دوست داشتیم این سازمان به تمام موارد مطرح‌شده در گزارش کیهان پاسخ قاطع و مستدل می‌داد؛ نه اینکه به‌صورت گزینشی تعداد اندکی از موارد سوءمدیریت مطرح‌شده را انتخاب کند و حتی همین تعداد اندک را با پاسخ‌های سطحی و مغالطه‌آمیز از سر خود باز کند.

در واکنش به گزارش روزنامه مبنی بر انتخاب نامناسب رئیس سازمان به دلیل عدم سوابق کافی؛ عناوین و سوابق مختلفی از خانم رئیس را برای‌مان فهرست کرده‌اند. اما نگفته‌اند که چطور می‌شود مدیر یک بخش از معاونت‌های ریاست سازمان ملی استاندارد با مدرک کارشناسی متالورژی، یک‌باره بدون طی کردن سلسله‌مراتب در میان آن همه مدیران بالادستی با مدرک دکتری و تخصص مرتبط؛ سر از ریاست سازمان استاندارد در می‌آورد!؟ همان‌طور که ارتباط نزدیک همسرشان جناب آقای تیمور هیربد(نجار) با حسین فریدون را که در گزارش‌مان ذکر کرده بودیم کاملا مسکوت گذاشته و به سوابق مذهبی و روحانی خانوادگی ایشان پرداخته و لابد صلاح ندیده‌اند به نقش این رابطه در رسیدن به ریاست سازمان استاندارد پاسخ دهند!

نکته جالب‌تر آنجاست که مرقوم فرموده‌اند خانم پیروزبخت از سال ۱۳۶۵ در سازمان استاندارد مشغول به خدمت شده که همین ابتدا این سؤال را به وجود می‌آورد که طبق این رزومه و با توجه به قانون منع به‌کارگیری بازنشستگان ایشان باید سال ۱۳۹۵ بازنشسته می‌شدند و بر چه اساسی ۳ سال به صورت غیرقانونی در این سمت مانده‌اند؟ همچنین نوشته‌اند ایشان «از سال ۹۲ تاکنون با پیشنهاد رئیس‌جمهور و تأیید شورای عالی استاندارد و با حکم رئیس‌جمهور، ریاست سازمان ملی استاندارد را به عهده دارد.» این ادعا در حالی است که طبق خبر «خبرگزاری دولتی ایرنا» ایشان با تصویب هیئت دولت(روندی مغایر با اساسنامه استاندارد) به ریاست رسیده‌اند. بر این اساس یا ادعای سازمان استاندارد کذب است و یا خبر خبرگزاری دولت؛ که بهتر است این نهادهای دولتی خودشان در این زمینه با یکدیگر به تفاهم برسند! البته گزارش‌های رسیده به کیهان خبر خبرگزاری دولت را تأیید می‌کند.

درباره فهرست دستاوردهایی که در جوابیه سازمان استاندارد ردیف شده هم باید بگوییم هرگز فکر نمی‌کردیم کسب ریاست دوره‌ای کمیته خاور نزدیک که به نوبت میان کشورهای داوطلب عضو در گردش است؛ دستاورد قلمداد شود! آن هم در شرایطی که به دلیل نبود قدرت مدیریت و اقناع کافی، اعضا که اکثرا از کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس هستند حاضر نشدند در ایران تشکیل جلسه دهند و اجلاس خارج از ایران برگزار شد!

همان‌طور که فکر نمی‌کردیم روند افزایشی تدوین و تجدیدنظر استانداردهای ملی که بر اساس برنامه متداول سالیانه -فارغ از اینکه چه کسی رئیس سازمان باشد- هر سال افزایش مشخصی نسبت به سال قبل دارد؛ به عنوان دستاورد فهرست شود! آن هم در حالی که در اتفاقی بی‌سابقه نرخ تدوین استانداردهای ملی از سال ۹۷ تاکنون روند کاهشی داشته و در برخی گرایش‌ها به حد توقف رسیده است.

با این تعریف روابط عمومی سازمان استاندارد از واژه «دستاورد»؛ همین که خانم رئیس سازمان، صبح به صبح در محل کار حاضر می‌شوند و امور روزمره و مرسوم سازمان را انجام می‌دهند؛ خودش «دستاورد» محسوب می‌شود و باید قدردان باشیم!

در مورد سایر دستاوردهای فهرست‌شده نیز ملاحظاتی وجود دارد که به دلیل نبود فضای کافی و برای جلوگیری از مطول شدن کلام با اصطلاحات فنی فعلا از درج آن خودداری می‌کنیم.

۱- درباره واردات ذرت‌های آلوده فرموده‌اند سازمان استاندارد به علت آلوده تشخیص دادن آنها «تاکنون اجازه واردات به آنها را نداده است.» اما شاید جالب باشد که بدانیم غلامرضا شریعتی استاندار خوزستان در دولت تدبیر طی توضیحاتی در تناقض با ادعای سازمان استاندارد گفته است: «متاسفانه مسئولان استاندارد و قرنطینه استان درخصوص میزان آلودگی ذرت‌ها اختلاف نظر دارند به نوعی که در این خصوص مسئولان وزارت جهاد کشاورزی(قرنطینه) آلودگی ذرت‌ها را تایید و مسئولان استاندارد رد کردند!» که در این مورد هم به نظر می‌رسد مسئولان دولتی باید ابتدا تناقضات را در میان خودشان حل و فصل کنند و سپس برای رسانه‌ها جوابیه بفرستند.

اما این نکته هم قابل توجه است که جوابیه سازمان استاندارد به آن بخش از ذرتی که تبدیل به فرآورده شده و در گزارش کیهان آمده بود هیچ اشاره‌ای نداشته و نشان می‌دهد نظارت لازم بر واحدهای تولیدی و شاخص‌های موجود برای شناسایی آلاینده‌ها و ردیابی آنها انجام نشده است.

۲- درباره سوءاستفاده واردکننده خودروی تیوولی و کسب سود ۷۴۴ میلیارد ریالی همان‌طور که فرموده‌اند پرونده این تخلف در حال رسیدگی است و ان‌شاءالله متخلفین به زودی مجازات خواهند شد. اما این نکته قابل ذکر است که تخلف رامک خودرو در جعل میزان مصرف بنزین خودروی تیوولی با همکاری شرکتی رخ داده که توسط سازمان استاندارد تأیید صلاحیت شده است و این سازمان باید در قبال این کوتاهی پاسخگو باشد. البته شواهدی که به دست ما رسیده و احتمالا در دادگاه نیز مورد بررسی قرار خواهد گرفت، نشان می‌دهد در این تخلف نقش سازمان استاندارد بیشتر است و مسئولان سازمان از جعل تأییدیه مصرف سوخت خودروی تیوولی آگاه بوده‌اند. اما در این بخش، سازمان استاندارد با زیرکی از پاسخگویی به یک ابهام فرار کرده است و آن چگونگی پیش‌فروش خودروهای یکی از خودروسازان بزرگ کشور بدون اخذ تأییدیه‌های استاندارد است. در این موضوع جا دارد سازمان بازرسی کل کشور در نحوه تعامل این خودروساز با سازمان استاندارد کمی جست‌وجو و بررسی کند. برای مثال خوب است بررسی شود که خودروهای تحت مالکیت این خودروساز زیر پای رئیس سازمان ملی استاندارد، همسر ایشان و یا برخی از مدیران این سازمان چه می‌کند؟ اساسا چرا این خودروها در اختیار سازمان استاندارد قرار گرفته است؟

۳- سومین مسئله‌ای که سازمان استاندارد به جای شفافیت و پاسخ روشن به ابهامات، تنها به ذکر بخشی از بیانات رهبر معظم انقلاب درباره تضعیف مبارزه با فساد و حمایت از آن بسنده کرده مربوط به گسترش روغن‌های تراریخته در سایه کوتاهی سازمان استاندارد است؛ البته ما از تلاش روابط عمومی سازمان برای بازخوانی سخنان مقام معظم رهبری تشکر می‌کنیم اما بیشتر تمایل داریم تا این سازمان به سؤالات و ابهامات پاسخ دهد.

شهریورماه سال ۹۷ نیره پیروزبخت رئیس سازمان استاندارد در تشریح مهم‌ترین دستاوردهای این سازمان به تدوین ۳۶ استاندارد در ارتباط با محصولات تراریخته اشاره کرده است؛ از طرف دیگر رئیس سازمان استاندارد مدعی است طبق قانون ایمنی زیستی درباره محصولات تراریخته مسئولیتی متوجه این سازمان نیست. با این تفاسیر باز هم سازمان استاندارد تکلیف ما را مشخص نکرده که بالاخره نقشی در ردیابی محصولات تراریخته دارد یا خیر!؟

مسئله اصلی در نظام استانداردسازی دنیا درج مشخصات فرآورده بر روی بسته‌بندی است. از آنجایی که بند نشانه‌گذاری جزء لاینفک استانداردهای ملی از نوع ویژگی محصولات است و نامگذاری محصول و منشأ آن به صورت نام و نوع نمونه، اساس این بخش را تشکیل می‌دهد، بنابراین تعیین روغن تراریخته و اعلام آن روی برچسب و یا هر محصولی که مشمول مقررات اجباری استاندارد می‌شود از اساسی‌ترین تکلیف‌های سازمان است که در این خصوص کوتاهی سازمان آشکار است. از آنجایی که مهم‌ترین دانه‌های روغنی وارداتی و تولید داخل عمدتا تراریخته‌اند، بنابراین عدم ارزیابی آنها همان گسترش روغن‌های تراریخته است.

۴- سازمان استاندارد درخصوص مدیریت ضعیف و امضاهای طلایی یک بار دیگر از پاسخگویی فرار کرده و تقریبا هیچ پاسخی درباره چرایی تغییر پیاپی ۶ معاون مالی و ۴ رئیس پژوهشگاه، استفاده از مشاوران دوتابعیتی و دلیل بازداشت برخی از مدیران سازمان طی ۶ سال مدیریت پیروزبخت نداده است و در عوض باز هم به یادآوری سخنان مقام معظم رهبری پرداخته‌اند که از آنها تشکر می‌کنیم! همچنین مدعی شده‌اند سوءمدیریت خانم رئیس سازمان صدای هیچ‌یک از مقامات دولتی را درنیاورده است که اگر التزام روزنامه کیهان بر امانتداری و حفاظت از منابع خبری خود نبود فهرستی از مسئولان دولتی را برای ریاست محترم سازمان استاندارد ارسال می‌کردیم تا متوجه شوند در مدت ۶ سال مدیریت ایشان چه امیدهایی ناامید و چه بغض‌هایی فروخورده شده تا آنجا که برای انعکاس صدای‌شان به سراغ روزنامه کیهان آمده‌اند!

۵- روابط عمومی سازمان استاندارد در پاسخ به کیهان سفرهای متعدد خارج کشور خانم رئیس سازمان را تکذیب کرده؛ این در حالی است که پیش از گزارش کیهان، تارنمای خبری الف نیز گزارشی درباره تعداد سفرهای خارجی خانم پیروزبخت داشته اما سازمان استاندارد در پاسخ به آن گزارش، تعداد زیاد سفرها را تکذیب نکرد و تنها به توجیه این سفرها پرداخته بود! اما مسئله اصلی در گزارش کیهان نه تعداد سفرهای خانم رئیس سازمان و نه حتی جهانگردی بستگان خانم رئیس سازمان با خرج بیت‌المال؛ که چرایی معرفی بستگان‌شان به عنوان نماینده سازمان استاندارد در مجامع بین‌المللی بود که البته باز هم به شکل ماهرانه‌ای در جوابیه سازمان استاندارد مسکوت گذاشته شد. برای مثال خوب است خانم پیروزبخت توضیح دهند که با چه مجوزی و بر چه اساسی ژوئن ۲۰۱۴ برای فرزندشان جناب آقای ماهان هیربد در اجلاس جهانی هفته استاندارد ISO در برزیل به عنوان نماینده ایران پذیرش گرفتند و آقازاده را به ریودوژانیرو فرستادند؟ با چه توجیهی جمهوری اسلامی ایران را از حق مسلم خود یعنی حضور مؤثر در مجامع بین‌المللی محروم کردند و بستگان خود را به سفر فرستادند؟ البته متأسفانه مواردی از این دست باز هم وجود دارد و به طور مکرر برای همسر و خواهر ایشان هم اتفاق افتاده اما برای شروع، پاسخگویی به همین یک مورد کافی است.

**۶- درباره تعطیلی پژوهشگاه و آزمایشگاه‌های سازمان؛ ظاهرا خانم رئیس سازمان از مجموعه زیردست‌شان نیز خبر ندارند. در این مورد حاضریم به همراه ایشان و با هزینه کیهان یک روز خانم پیروزبخت را تا آزمایشگاه‌های تعطیل‌شده این سازم